

بررسی قلمرو ایلی در بین نیمه کوچ نشینان گیلان (مطالعه موردی: اسالم - تالش)

دکتر نصرالله مولائی هاشجین

دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

چکیده:

کوچ نشینان ایران به جهت برخورداری از سابقه زیاد و پراکنش جغرافیایی از گذشته تاکنون، همچنان نقش مهمی را در چرخه تولید دارند به همین خاطر در هر نگرش و برنامه‌ای می‌بایست عشایر به‌عنوان جامعه سوم در کنار جوامع شهری و روستایی مورد توجه قرار گیرند و تلاش شود تا شکاف عمیق این جامعه با روستاها و به‌ویژه شهرها کاهش یابد.

در نظام دامداری عشایری، دام به صورت طبیعی و با استفاده از مراتع ییلاقی و قشلاقی تغذیه می‌شود و فقط در مواقع خاص تغذیه دام به شیوه دستی انجام می‌گیرد.

کوچ نشینان بر خلاف یک‌جانشینان در یک محدوده نسبتاً وسیع و در قالب قلمرو ایلی متشکل از محدوده زیست زمستانی (قشلاق)، تابستانی (ییلاق) و بهاره و پاییزه (میان‌بند) بر حسب شرایط جغرافیایی جابه‌جا می‌شوند. قلمرو نیمه کوچ نشینان اسالم به صورت شرقی - غربی بوده که در طول سال در آن جابه‌جا می‌شوند. از ویژگی‌های برجسته ییلاق و قشلاق نیمه کوچ نشینان اسالم می‌توان به کوتاه بودن زمان حرکت از قشلاق به میان بند و ییلاق و بالعکس اشاره نمود به طوری که فاصله محدوده‌های مذکور در یک روز طی می‌شود و حدود ۹۵ درصد خانوارها جهت جابه‌جایی در قلمرو ایلی خود از وسیله نقلیه موتوری و در مقابل حدود ۹۹ درصد دام‌ها به طریقه سنتی اقدام به کوچ می‌کنند.

واژگان کلیدی: قلمرو ایلی، نیمه کوچ نشینان، گیلان، اسالم، ییلاق، قشلاق، میان بند.

مقدمه:

نیمه کوچ‌نشینان اسالم در طول سال دوبار به دو محدوده متفاوت از نظر شرایط محیطی کوچ می‌کنند که ضرورت آن استفاده از امکانات مراتع در هر دو محدوده است. علت و انگیزه اصلی کوچ بین بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرمسیر)، جستجوی علوفه مورد نیاز دام‌ها از یک طرف، عدم تامین علوفه در طول سال در منطقه بیلاقی و قشلاقی، فعالیت کشاورزی اندک در میان‌بند و بیلاق به‌ویژه برای جلگه نشینان، گرمای تابستان در منطقه قشلاقی و سرمای زمستان در بیلاق و عادت از طرف دیگر می‌باشد (مولائی هشجین، ۱۳۷۷، ۵۸). در مجموع بخش اسالم را که از غرب با ارتفاعات تالش منطبق است و فعالیت‌های شبانی بر سایر فعالیت‌ها غلبه دارد می‌توان به سه طبقه مشخص چراگاهی تقسیم نمود:

الف) قشلاق یا چراگاه‌های زمستانی

ب) میان‌بند یا چراگاه‌های واسطه‌ای کوهستان نیمه مرتفع

ج) بیلاق یا چراگاه‌های تابستانی

طرح تحقیق:

۱- بیان مسئله:

- عدم برخورداری از خدمات زیربنایی و روبنایی به‌ویژه در محدوده میان‌بند و بیلاق
- مشکلات و مسائل مسیر کوچ در قلمرو نیمه کوچ‌نشینان از قشلاق به بیلاق و برعکس به‌خصوص از میان‌بند به بیلاق که محدوده جنگلی به‌شمار می‌رود.

۲- اهداف تحقیق:

- شناخت و معرفی نیمه کوچ‌نشینان اسالم در قلمرو ایلی خود
- تحول شیوه معیشت دامداری موجود در راستای توسعه نیمه کوچ‌نشینان بخش
- استقرار نیمه کوچ‌نشینان در محدوده میان‌بند، بیلاق و حذف قشلاق (مولائی هشجین، ۱۳۸۰، ۱۳۴-۱۳۵)

۳- بیان فرضیه:

امکان تحول شیوه موجود کوچ‌نشینی، دامداری و تثبیت جمعیت در صورت فراهم شدن شرایط لازم و نیز حذف قشلاق وجود دارد.

۴- روش تحقیق:

در این تحقیق از روش توصیفی و دو شیوه گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در قسمت برای شناخت قلمرو ایلی و یافتن دیدگاه‌های لازم در این زمینه از روش اسنادی و کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

در قسمت دوم برای شناخت دقیق‌تر محدوده مورد مطالعه، اطلاعات لازم از طریق بررسی اسناد، مدارک آرشیوی و کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی در قالب مطالعات مقدماتی، مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه

به دست آمده است. با توجه به این که نیمه کوچ نشینان ناحیه مورد مطالعه، علیرغم داشتن شرایط لازم، در زمره عشایر کوچنده کشور در سرشماری سال های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ منظور نشده اند بیشتر از طریق مطالعات میدانی بررسی انجام شده است تا جایی که قسمت عمده ای از مقاله حاصل کار میدانی در فاصله سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ و به ویژه اجرای طرح پژوهشی با عنوان ”بررسی نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان به منظور امکان سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوه معیشت دامداری“ توسط نگارنده بوده است (مولائی هشجین، ۱۳۸۱، ۲). به طوری که از ۸۴ پرسش نامه خانوارهای کوچنده، ۳۶ پرسش نامه از جمعیت استقرارگاه های میان بند و بیلاق با جمعیت موسمی و ۱۲۰ پرسش نامه امکان سنجی تحول شیوه معیشت استفاده شده است.

مشخصات ناحیه مورد مطالعه:

ناحیه مورد مطالعه، بخش اسالم شهرستان تالش در غرب استان گیلان را در بر می گیرد که در ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۴۰ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی و ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳ دقیقه طول جغرافیایی شرقی واقع شده است (سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۸، ۲۰-۲۱). بخش اسالم از شمال به بخش مرکزی تالش (دهستان طولارود)، از غرب به شهرستان خلخال (دهستان خاندبیل شرقی از بخش مرکزی)، از جنوب به شهرستان رضوانشهر (دهستان های دیناچال و بیلاقی ارده از بخش پره سر) و از شرق به دریای خزر محدود می شود (مولائی هشجین، ۱۳۸۰، ۱۳۷). بر اساس آمار سال ۱۳۷۸، این بخش با ۴۷۳/۲ کیلومتر مربع مساحت، ۳/۲۲ درصد از مساحت کل استان گیلان را در بر گرفته و از ۳ دهستان، ۷۲ آبادی دارای سکنه و ۷ آبادی خالی از سکنه (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۷۹، ۶۱) تشکیل شده است. مرکز ناحیه مورد مطالعه شهر اسالم است (از ترکیب روستاهای ناورود، ناو پایین، خلیفه آباد و گیلان ده) که با مرکز شهرستان و استان به ترتیب ۸ و ۱۰۷ کیلومتر فاصله دارد (مولائی هشجین، ۱۳۸۱، ۳).

محدوده مورد مطالعه از دو قسمت به شرح زیر تشکیل شده است:

- الف - قسمت ساحلی - جلگه ای در شرق با سکونتگاه های روستایی و برخوردار از جمعیت قابل توجه که بخشی از آن به عنوان قلمرو قشلاقی نیمه کوچ نشینان محدوده محسوب می شود.
- ب - قسمت کوهپایه ای - کوهستانی در غرب با جمعیت پراکنده و اندک که اغلب به عنوان قلمرو میان بند و بیلاق نیمه کوچ نشینان محدوده به شمار می رود (بازن، ۱۳۶۷، ۴۴-۵۳).
- بر اساس نتایج مطالعات نگارنده ۸۰/۶ درصد آبادی های بخش اسالم در کوچ شرکت می کنند که ۱۳۶۸ خانوار و ۷۲۴۲ نفر جمعیت بخش را در بر می گیرد که به ترتیب ۲۰/۴۶ و ۲۰/۶ درصد از خانوار و جمعیت محدوده مورد مطالعه را شامل می شود (مولائی هشجین، ۱۳۸۲، ۴۰).
- از کل خانوارهای کوچ رو ۸۸/۲۲ درصد دامدار، ۶۷/۹۸ درصد کشاورز - دامدار و ۹/۱۴ درصد بقیه کشاورز فاقد دام و خوش نشین می باشد (مولائی هشجین، ۱۳۸۰، ۷۹).
- در مجموع تعداد ۳۱۳ خانوار و ۱۶۹۹ نفر جمعیت بخش صرفاً با هدف دامداری در کوچ به سر می برند.

نسبت جنسی ۱۲۰/۷ نفر، گرایش جمعیت به بزرگسالی، نرخ باسوادی ۵۲/۴ درصد، اکثریت مسلمان (اهل سنت شافعی)، زبان تالشی، ساختار اجتماعی در قالب ایل، تیره، طایفه، دده زوئه و خانوار، مشاغل اجتماعی دامدار، دامدار چند پیشه، دامدار - کشاورز و خوش نشین، ابتدایی بودن مساکن با مصالح موقت و نیمه دائمی در قلمرو میان‌بند و بیلاق، استفاده از چوب به‌عنوان مصالح موجود در سطح بخش برای ساخت مسکن، تغییر در مصالح مورد استفاده در قلمرو ایلی در سال‌های اخیر، غلبه فعالیت دامداری و پرورش طیور و جایگاه ویژه آن از نظر ارزش افزوده در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، ۳۶/۳ درصد نرخ فعالیت، ۷۶/۷ درصد نرخ اشتغال و ۲۳/۳ درصد نرخ بیکاری، تجربه، تخصص و مهارت در دامداری از گذشته تاکنون و پرداختن به فعالیت‌های دیگر به صورت مکمل و جانبی نظیر؛ زراعت دیم، زنبورداری، باغداری، برنج کاری، صید و صیادی و بهره‌برداری از جنگل و... از مشخصات محدوده مورد مطالعه به شمار می‌روند (مولائی هشجین، ۱۳۸۰، ۷۹ - ۸۰).

جدول شماره ۱- توزیع تعداد و درصد خانوار و جمعیت کوچنده در آبادی‌های بخش اسالم در سال ۱۳۷۸ (مولائی هشجین، ۱۳۸۲، ۴۱).

شرح	جمع		دامدار		کشاورز - دامدار		کشاورز فاقد دام - خوش نشین		آبادی‌های برخوردار از جمعیت کوچنده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خانوار	۱۳۶۸	۱۰۰	۳۱۳	۲۳	۹۳۰	۶۸	۱۲۵	۹	۵۸	۸۰/۶
جمعیت	۷۲۴۲	۱۰۰	۱۶۹۹	۲۳/۵	۴۸۶۹	۶۷/۲	۶۷۴	۹/۳		

قشلاق:

این محدوده به‌عنوان استقرارگاه زمستانی به شمار می‌رود و تقریباً از غرب جاده ارتباطی اصلی به طرف جنگل‌های انبوه در غرب را شامل می‌شود. قسمتی از محدوده قشلاق که در آن کشت برنج و گندم دیمی به‌عمل می‌آید پس از برداشت محصول در فصل سرد سال مورد استفاده دام‌ها قرار می‌گیرد این چراگاه‌ها مانند همه جای ایران با واژه ترکی قشلاق مشخص می‌گردند ولی اغلب به آن‌ها اوجورگاه زمستانی و یا به‌طور اختصار اوجورگاه (آجیر^۱) نیز می‌گویند.

در این محدوده دوره سرما نسبت به میان‌بند و بیلاق (طبقه بالاتر کوهستان) کوتاه‌تر و شدت آن کمتر است و در برخی موارد که ضخامت پوشش برف مانع از چرای دام‌ها می‌گردد برف قسمتی از زمین را با پارو پاک نموده و یا در زیر یک محوطه سرپوشیده ساده، احشام را جمع می‌کنند و تا جایی که امکان دارد دام‌های بزرگ و به‌ویژه دام‌های کوچک را در بیرون از طویله نگهداری می‌کنند این محدوده تقریباً تا ارتفاع ۸۰۰ متر را در بر می‌گیرد (بازن، ۱۳۶۷ - ۳۲۳، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴).

1- Ajir

2- Kooch

3-Kafshan

4- Meingeryeh

5-Geiryeh

میان بند:

این محدوده که تقریباً از ارتفاع ۸۰۰ تا ۱۴۰۰ متر و غرب قشلاق را در بر می‌گیرد به‌عنوان توقفگاه بین راهی برای دام‌های نیمه کوچ‌نشینان و نیز برای کوه‌نشینان اسکان یافته و جلگه نشینان زراعی - شبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به‌طور عام کوه^۱ و اصطلاحاً در محل "کفشن"^۲ یا "مین گیریه"^۳ نیز نامیده می‌شود. علاوه بر آن در ناحیه مورد مطالعه زمین‌های غله‌زار مهمی نیز وجود دارد که در اطراف روستاها به‌ویژه روستاها و استقرارگاه‌های واقع در امتداد ناورود، فشرده‌تر و مشخص‌تر است، به‌طوری‌که جدا بودن اراضی زیر کشت و مراتع واضحتر است.

در قسمت فوقانی این محدوده جنگل‌هایی قرار دارد که از نظر تشکیلات گیاهی ساده‌ترند و غالب آنان درختان راش هستند، قرار دارد که به خاطر مرتب نبودن از جنگل‌های قشلاق متمایز می‌گردند و به دلیل نبود حصار در اطراف زمین‌های زیر کشت ورود به آن‌ها آزاد است و در فصول بهار و پاییز در عبور از قشلاق به بیلاق و برعکس از این مراتع استفاده می‌شود (بازن، ۱۳۶۷، ۲۴۳).
زمان استفاده از این محدوده تقریباً اواسط اسفند ماه تا فروردین ماه و اواخر مهر ماه تا اواسط آذر ماه است.

بیلاق:

بالتر از ارتفاع ۱۴۰۰ متر ضمن تبدیل جنگل‌ها به زمین‌های مرتعی خالی از درخت و چمنزارهای کوهستانی که محدوده خاص نیمه کوچ‌نشینان است و روستاهای دارای سکنه و اراضی زیر کشت خیلی نادر هستند، محدوده بیلاق شروع می‌شود.

محدوده بیلاقی به دو طبقه قابل تقسیم است. یکی ابتدای بیلاق که از ارتفاع ۱۴۰۰ آغاز و تا ارتفاع ۱۷۰۰ متر امتداد پیدا می‌کند. این قسمت از بیلاق اساساً محدوده چراگاه‌های تابستانی است و در محل "گیریه"^۴ گفته می‌شود و مخصوص دام‌های بزرگ به‌ویژه دام‌های برنجکاران است که در قسمت‌های فوقانی آن در فصل تابستان گوسفند و بز نیز دیده می‌شود.

بنابراین، این قسمت از محدوده بیلاق برای برنجکاران و برخی نیمه کوچ‌نشینان بیلاق و برای بقیه انتهای میان‌بند و ابتدای بیلاق محسوب می‌شود و به همین خاطر نیمه کوچ‌نشینان ۱۵ روز تا یک ماه و نیم در بهار و پاییز را قبل از آمدن و رفتن برنجکاران با دام بزرگ در آن‌جا به سر می‌برند.

از ارتفاع ۱۷۰۰ متر به بالا جنگل کاملاً از بین رفته و چمنزارهای کوهستانی ثانوی و سپس اصلی نمایان می‌شوند و آخرین محوطه‌های کشت جو و سیب‌زمینی نیز از بین می‌روند. از این محدوده که در نزدیکی خط راس بدان "بند"^۵ گفته می‌شود اغلب احشام کوچک به چشم می‌خورد. در مجموع از اوایل فروردین تا اوایل خرداد و از اواخر شهریور ماه تا اواخر مهرماه در ابتدای بیلاق و از اوایل خرداد ماه تا اواخر شهریور در قسمت فوقانی بیلاق، نیمه کوچ‌نشینان استقرار دارند.

جدول شماره ۲- زمان بندی اقامت نیمه کوچ‌نشینان در ییلاق، قشلاق و میان بند

(عبدلی کلوری، ۱۳۷۱، ۵۴)

نام محدوده	زمان کوچ از قشلاق به ییلاق	زمان کوچ از ییلاق به قشلاق
قشلاق (آجیر) ^۱	۱۵ آذر ماه تا ۱۵ اسفند ماه	_____
میان‌بند (مینگیریه ^۲ و کوه ^۳)	۱۵ اسفند تا ۱۵ فروردین	اواخر مهرماه تا اواسط آذر ماه
ییلاق (اسپیت ^۴ و بند ^۵)	۱۵ فروردین تا اوایل خرداد ماه و از اواخر خردادماه تا اواخر شهریور ماه	اواخر شهریور ماه تا اواخر مهرماه

در سراسرتالش اگر به نقشه عمومی کوچ‌های شبانی دقت کنیم مشاهده می‌شود که هر خرده ناحیه یک ”واحد شبانی“ واقعی را تشکیل می‌دهد که اغلب آن‌ها با یک دره منطبق هستند بنابراین همه ساکنان یک یا دو مسیر را که اندکی بالاتر شاخه شاخه می‌گردد انتخاب می‌کنند چراگاه‌های اسالم بیشتر در دره‌های مجاور نفوذ کرده اند به طوری که در قسمت بالا دره رودلمر را به دره رود ناورود پیوند می‌دهد. (نقشه شماره ۱)

زمان حرکت:

زمان حرکت کوچ‌نشینان تابعی است از شرایط اقلیمی منطقه ییلاقی و قشلاقی، افزایش یا کاهش پوشش گیاهی و حتی وجود یا عدم وجود پوشش گیاهی جهت دام‌ها در دو منطقه سردسیر، گرمسیر و کیفیت آن‌ها، فاصله بین ییلاق و قشلاق، چگونگی مسیر ایلی راه‌ها و امکانات آب و علوفه در اردوگاه‌های بین مراتع حد فاصل، تعداد و ترکیب دام‌ها و نیز تعداد نیروی انسانی و دام‌های باربر موجود، وضعیت نیروی انسانی خانوارها از نظر تعداد نیروی کارآمد، آداب و رسوم و ... می‌باشد.

بر اساس مطالعات میدانی از تعداد ۱۱۲ خانوار نیمه کوچ‌نشین اسالم، ۶۶/۱ درصد (۷۴ خانوار) از قشلاق، میان‌بند و ییلاق استفاده می‌کنند. ۳۲/۱ درصد (۳۶ خانوار) در مسیر کوچ به ییلاق و یا برعکس در میان میان‌بند استقرار پیدا نمی‌کنند. (نمودارهای شماره ۱ تا ۲۴)

با توجه به فاصله کم بین ییلاق، قشلاق و میان‌بند در بخش اسالم مدت زمان حرکت از قشلاق به میان‌بند و ییلاق و برعکس برخلاف بسیاری از ایلات و عشایر کوتاه است. به طوری که بر اساس مطالعات نگارنده متوسط مسیر حرکت از قشلاق به ییلاق ۱/۸۲ روز و از ییلاق به قشلاق ۱/۵۸ روز بوده که به دلیل برف، یخبندان و سرما از یک طرف و مشکل تامین علوفه از طرف دیگر زمان حرکت سریع‌تر از قشلاق به ییلاق می‌باشد و حداکثر مسیر حرکت به ترتیب ۴ و ۳ روز و حداقل کمتر از یک روز بوده است. همچنین مدت استقرار در قشلاق به طور متوسط ۵/۷ ماه (۱۷۱ روز) و مدت استقرار در ییلاق ۳/۶۵ ماه (۱۰۹ روز) و در میان‌بند ۲/۵۴ ماه (۷۶ روز) بوده است.

به طور کلی حرکت نیمه کوچ‌نشینان از قشلاق به ییلاق از نیمه دوم فروردین شروع شده و پس از یک

1- Ajir

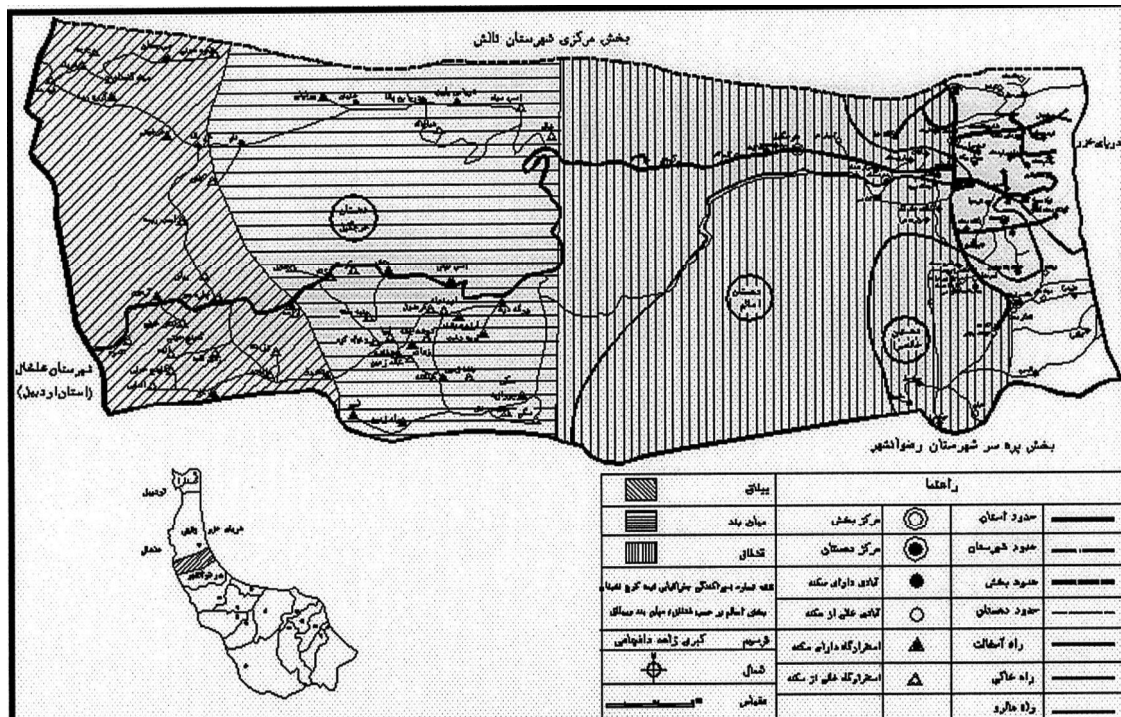
2- Meingeirye

3-Kooh

4-Speit

5- Band

روز، طی مسیر در میان بند استقرار پیدا می کنند و ضمن استفاده از مراتع میان بند که برای اغلب نیمه کوچ نشینان وجود دارد از اواسط خرداد ماه با طی مسافت به طور متوسط یک روزه در محل بیلاق استقرار پیدا می کنند و تا زمان کاهش دما، ریزش برف و حاکم شدن یخبندان در ارتفاعات بیلاقی استقرار پیدا کرده و تقریباً از اواخر شهریور ماه به طرف میان بند و سپس قشلاق حرکت می کنند.



نقشه شماره ۱- پراکنندگی جغرافیایی نیمه کوچ نشینان بخش اسالم بر حسب قشلاق، میان بند و بیلاق

نحوه حرکت و انتخاب محل اردو:

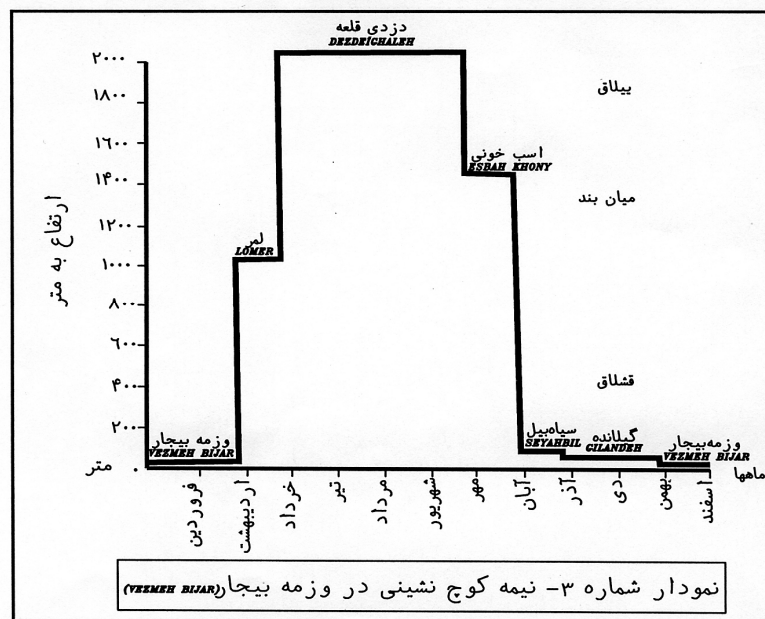
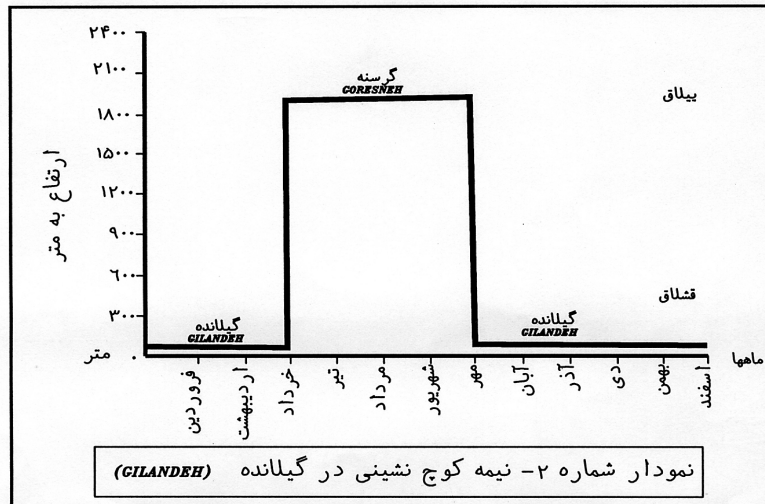
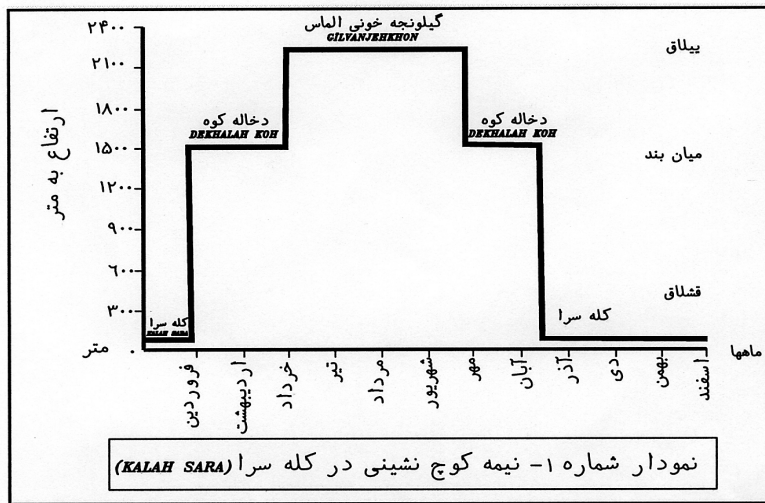
با نزدیک شدن زمان حرکت نیمه کوچ نشینان و جلگه نشینانی که هر ساله جابه جا می شوند در مسیر قشلاق به بیلاق بر خلاف سایر کوچ نشینان کشور (به علت طولانی بودن فاصله بین قشلاق و بیلاق اطراق های شبانه دارند و پس از استراحت کوتاه مدت مجدداً به راه می افتند) در ناحیه مورد مطالعه به دلیل کوتاه بودن مسیر که فقط در چند روز پیموده می شود کوچ نشینان در میان بند بر حسب تعداد دام در اختیار و میزان علوفه، پاروی (پارگاه) خود را برپا کرده و حداقل ۱۵ روز در آن محدوده استقرار پیدا می کنند و سپس به مکان جدیدی حرکت می نمایند به عبارتی با کوچ موضعی (کوچ افقی) در میان بند، قشلاق و بیلاق مواجه می شوند.

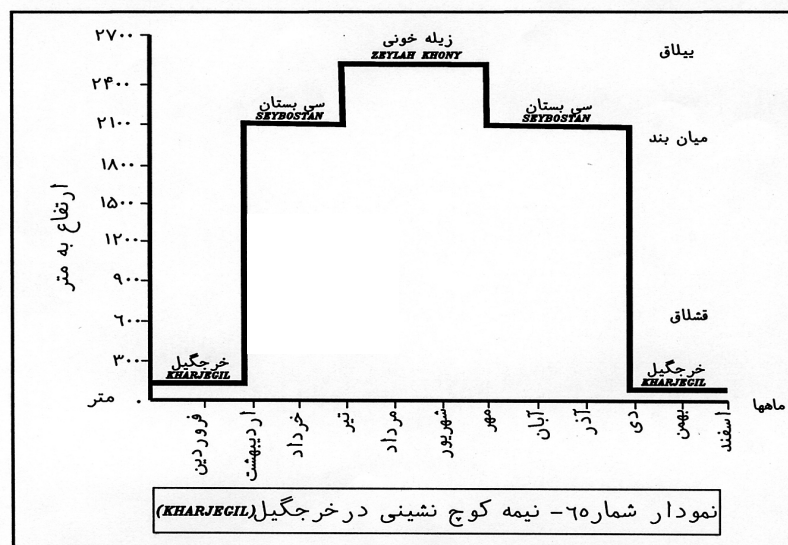
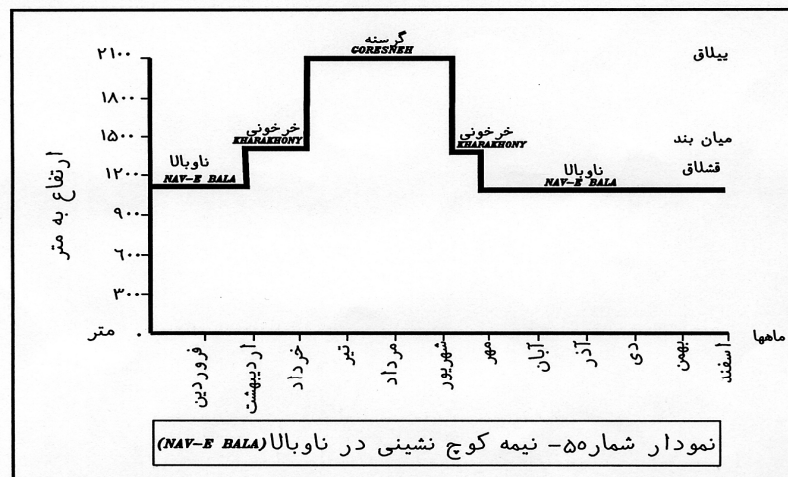
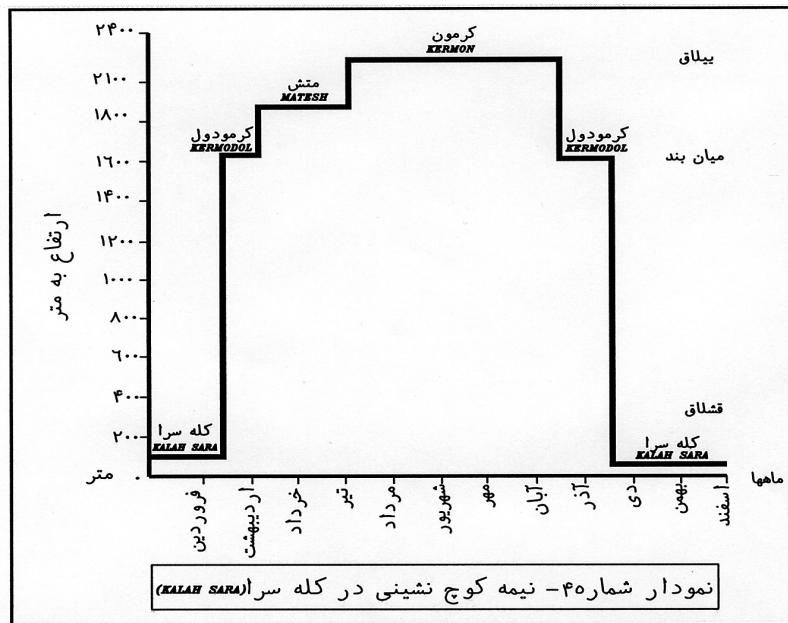
جابه جایی نیمه کوچ نشینان و کوه نشینان به دو طریق صورت می گیرد:

الف- جابه جایی خانوارها با وسیله نقلیه موتوری.

ب- جابه جایی خانوار با پای پیاده.

بر اساس مطالعات میدانی ۹۴/۴ درصد خانوارها با استفاده از وسیله نقلیه و تنها ۵/۶ درصد به روش سنتی





(با پای پیاده و یا چهارپایان) از بیلاق به قشلاق و ۹۵/۸ درصد از قشلاق به بیلاق از وسیله نقلیه و ۴/۲ درصد نیز به روش سنتی استفاده می‌نمایند و این در حالی است که کوچ دام نیمه کوچ‌نشینان برعکس خانوار بوده است به طوری که ۹۸/۷ درصد دام به روش سنتی و تنها ۱/۳ درصد دام‌ها با استفاده از وسیله نقلیه موتوری از بیلاق به قشلاق جابه‌جا می‌شوند. (جدول شماره ۳)

ایل‌راه و وسایل حمل و نقل:

جابه‌جایی نیمه کوچ‌نشینان و کوه‌نشینان اسالم بین قشلاق و بیلاق و برعکس معمولاً با استفاده از وسیله نقلیه و در مواردی نیز به روش سنتی صورت می‌گیرد. ایل‌راه‌های نیمه کوچ‌نشینان منطبق با راه‌های ارتباطی بوده و برای جابه‌جایی خانوار و دام‌ها از راه‌های آسفالت، خاکی، شوسه و مالرو استفاده می‌شود نیمه کوچ‌نشینان برای استفاده مراتع قلمرو خود از راه‌های سنتی موجود استفاده می‌کنند که در حاشیه رودخانه‌ها و

جدول شماره ۳- نحوه کوچ از بیلاق به قشلاق و بالعکس بر حسب درصد خانوارها در بخش اسالم: ۱۳۷۸

از قشلاق به بیلاق		از بیلاق به قشلاق		شرح
سنتی	با وسیله نقلیه	سنتی	با وسیله نقلیه	
۴/۲	۹۵/۸	۵/۶	۹۴/۴	خانوار
۹۸/۷	۱/۳	۹۸/۷	۱/۳	دام

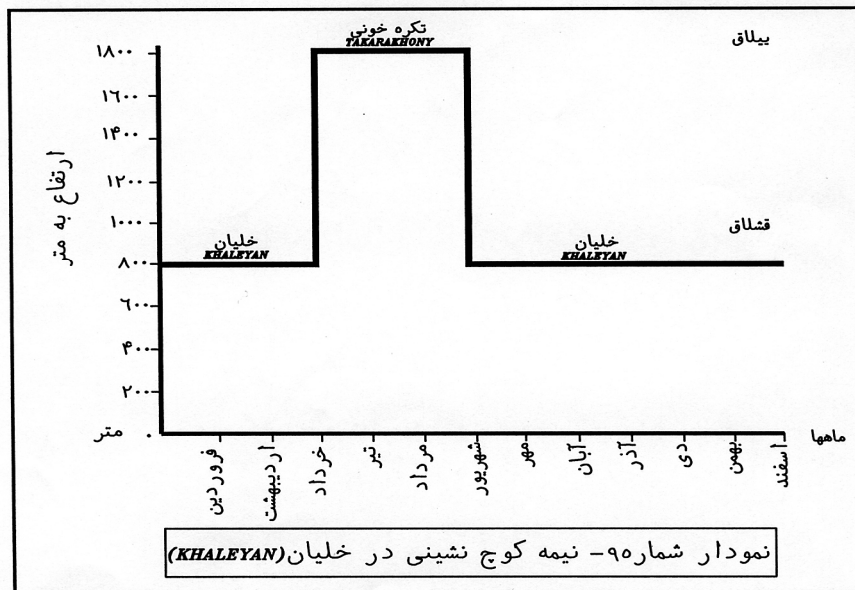
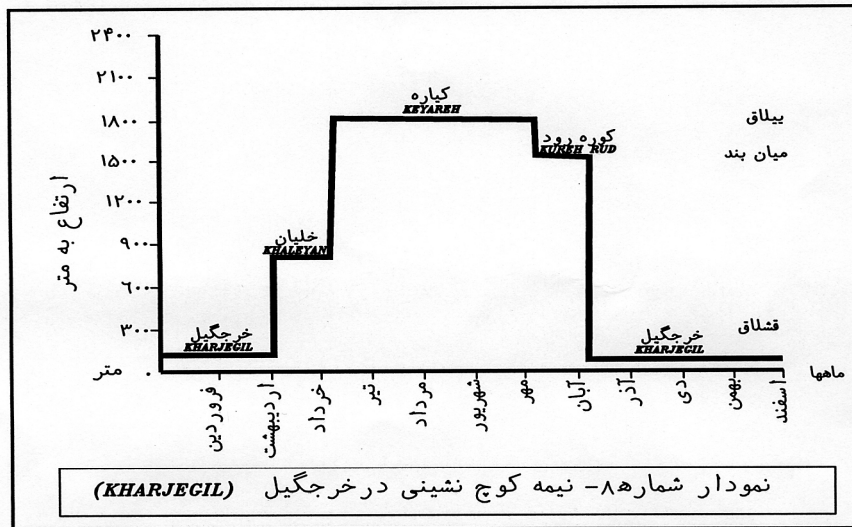
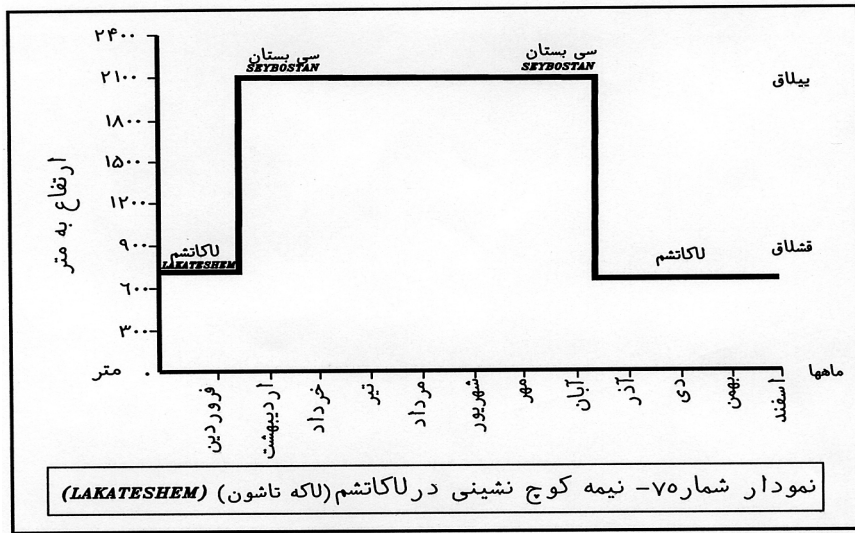
راه‌های ارتباطی مالرو، خاکی، شنی و حتی آسفالت واقع شده است. وسایل حمل و نقل نیمه کوچ‌نشینان و کوه‌نشینان شامل، چهارپایان مانند اسب، قاطر و وسایل نقلیه موتوری نظیر کامیون، نیسان وانت و موتورسیکلت است.

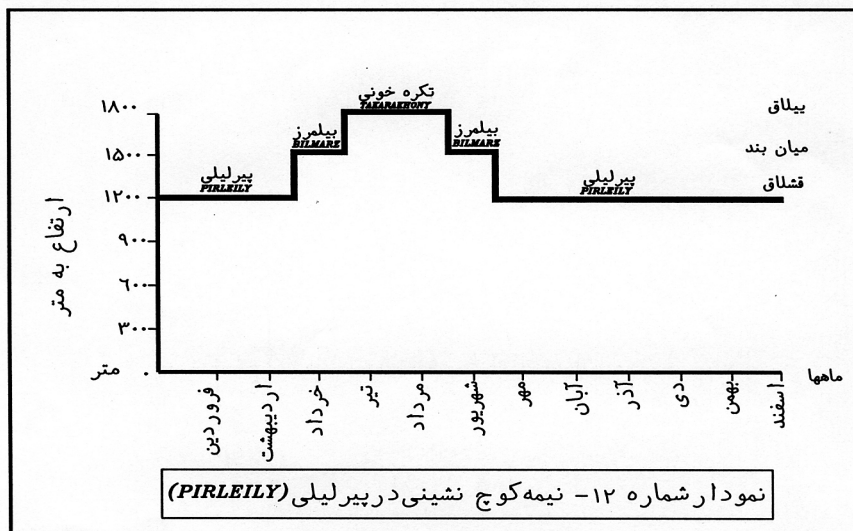
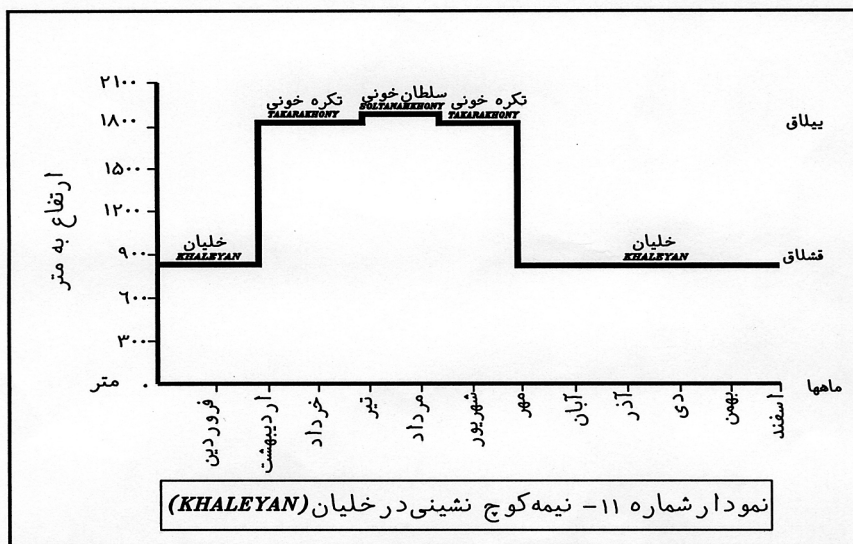
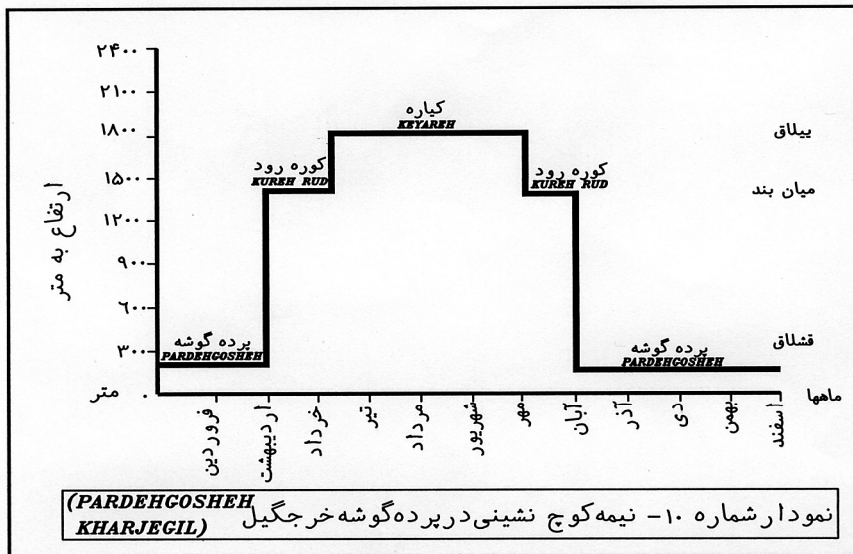
مشکلات و تنگناها:

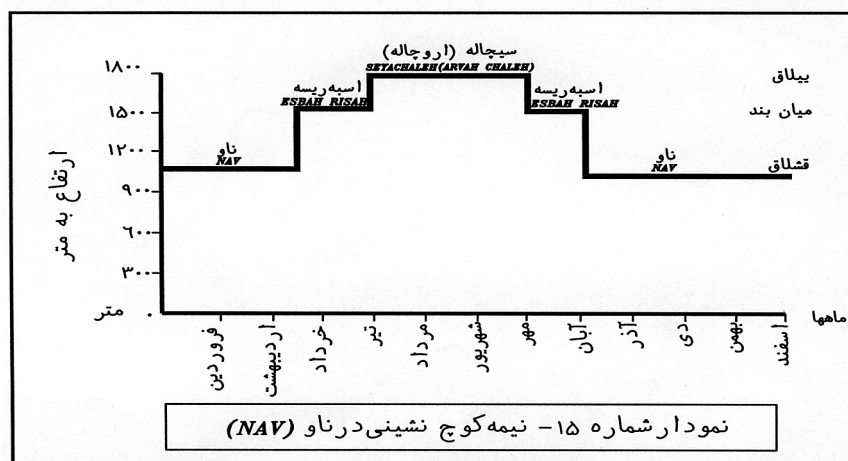
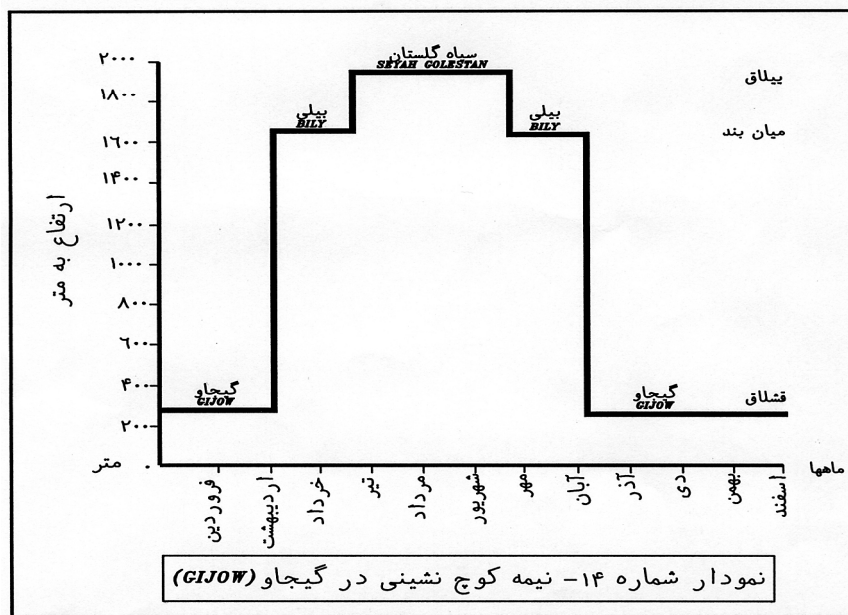
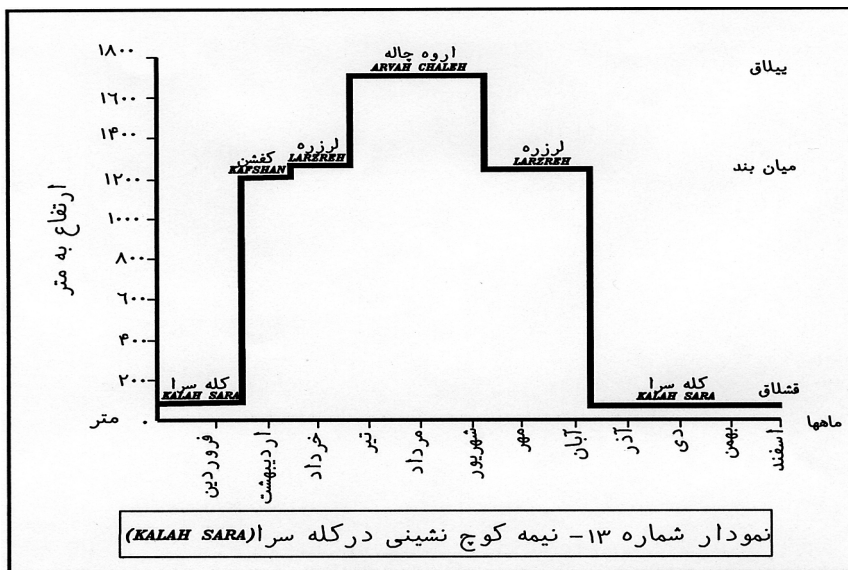
از مجموع ۱۱۲ خانوار نیمه کوچ‌نشین مورد مطالعه تقریباً ۹۹ درصد در وضعیت کنونی با مشکلات در زمینه‌های دآمداری به عنوان فعالیت مسلط نیمه کوچ‌ندگان، کوچ و جابه‌جایی در طول سال، مرتع به عنوان عامل اساسی اقتصاد کوچ‌ندگان و نیز قلمرو جابه‌جایی اعم از قشلاق، میان‌بند و بیلاق مواجه هستند برخی مشکلات نیمه کوچ‌نشینان در ارتباط با کوچ، جابه‌جایی و قلمرو ایلی عبارتند از:

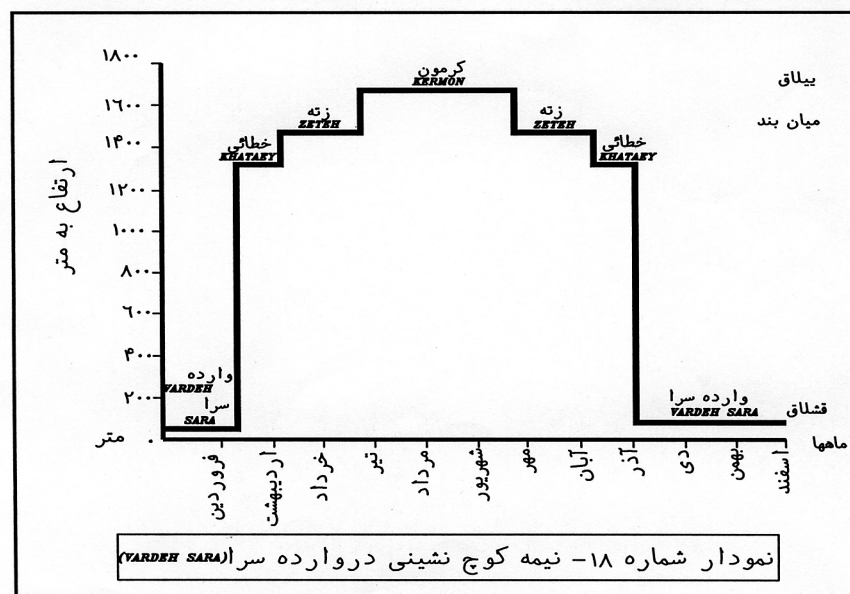
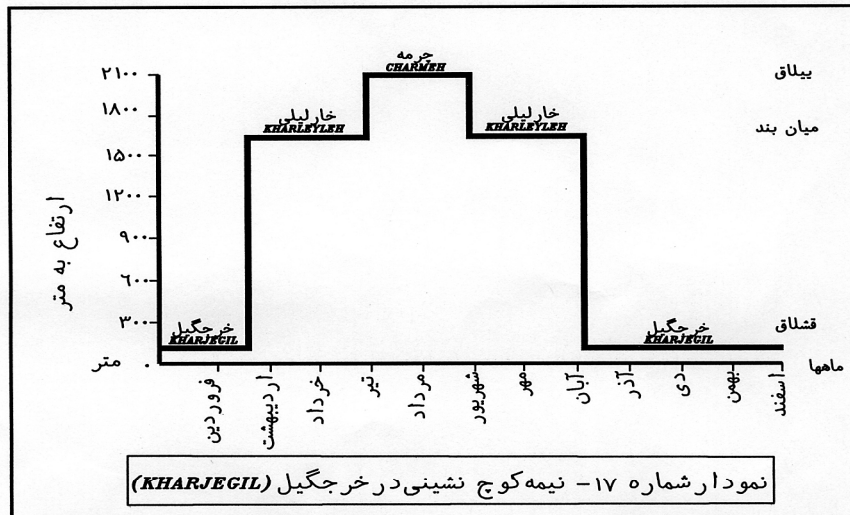
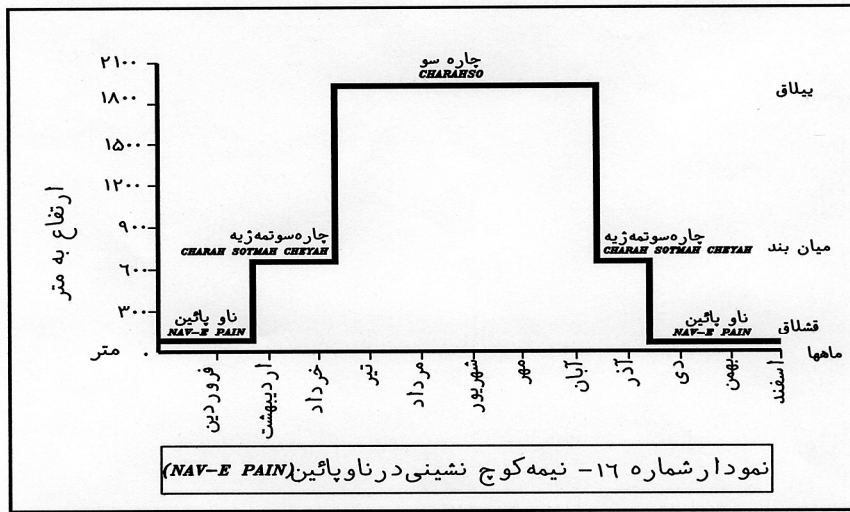
- کمبود و نبود راه دسترسی مناسب برای کوچ به خصوص راه‌هایی که استفاده از وسیله نقلیه را ممکن سازد.

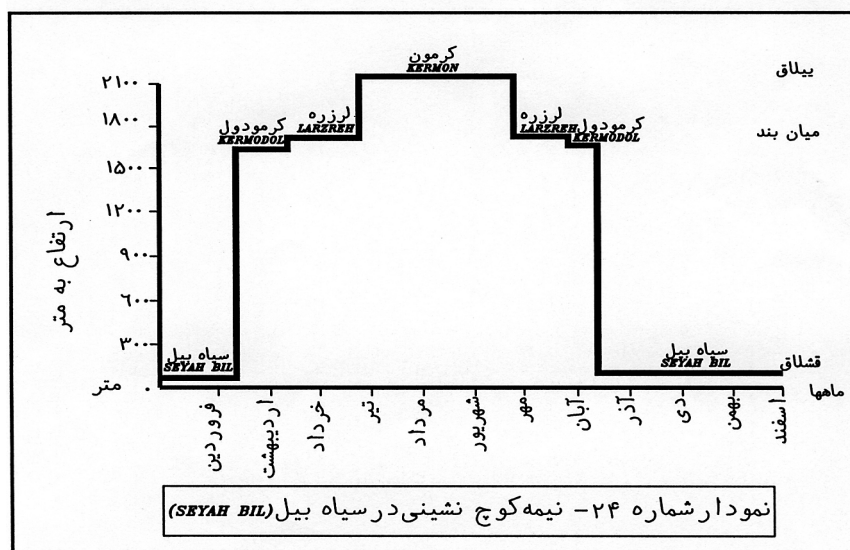
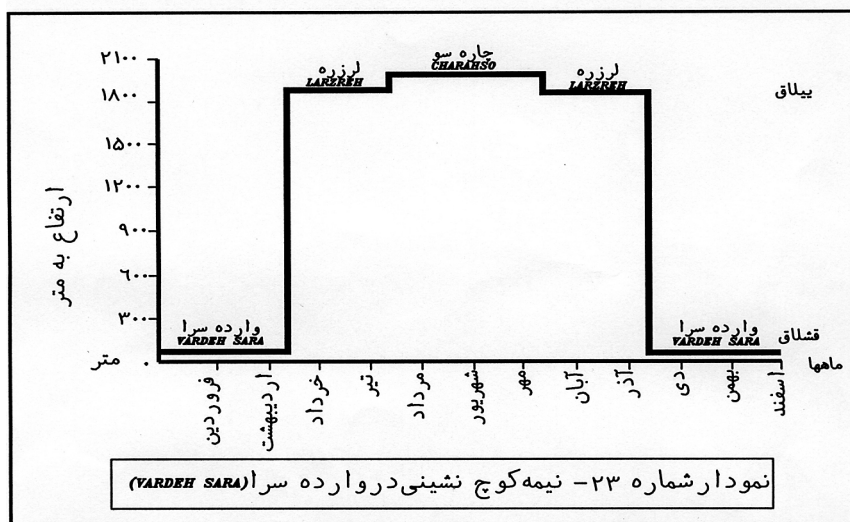
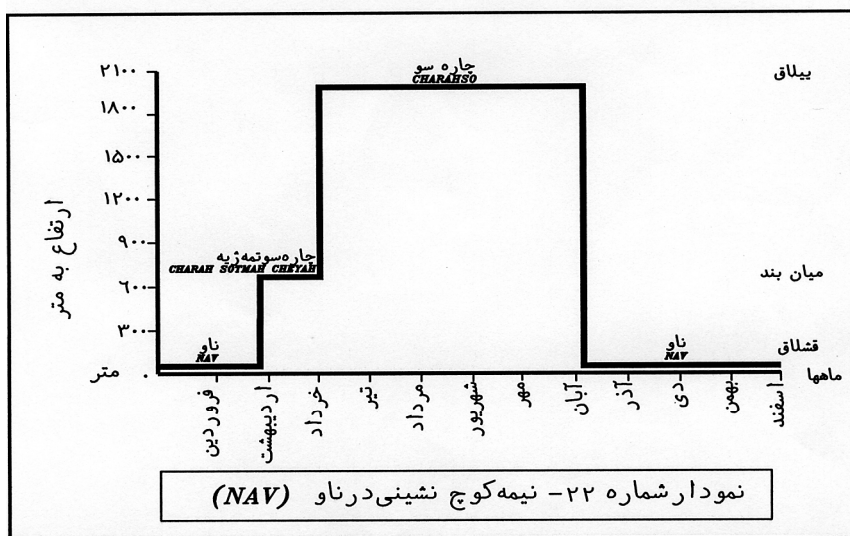
- نبود وسیله نقلیه مناسب جهت جابه‌جایی خانوار و بار و بنه نیمه کوچ‌نشینان.
- تلفات دام‌ها در مسیر حرکت به‌ویژه از بیلاق به قشلاق به جهت شرایط خاص آب و هوایی در فصل سرد سال و وارد شدن خسارات به نیمه کوچ‌نشینان.
- نبود راه دسترسی موتوری برای برخی استقرارگاه‌های میان‌بند و به‌ویژه در محدوده بیلاقی جهت ارتباط نیمه کوچ‌نشینان با پیرامون خود و نیز راه‌های دسترسی اصلی.

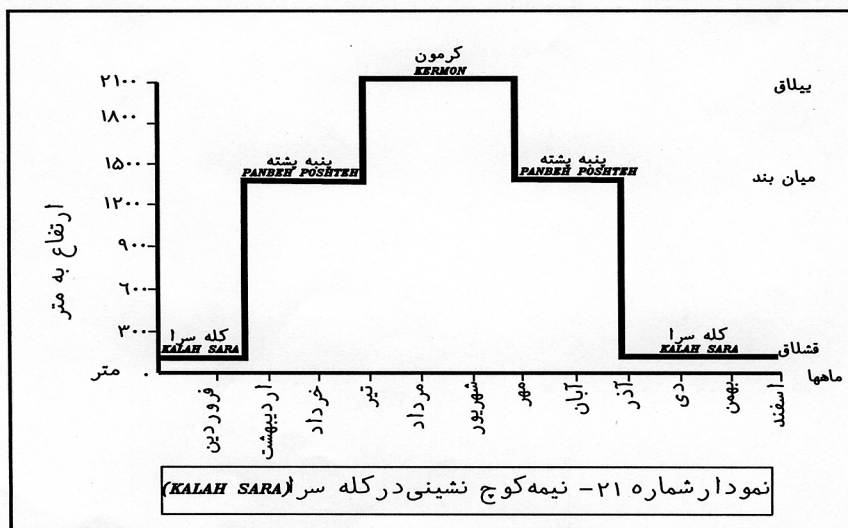
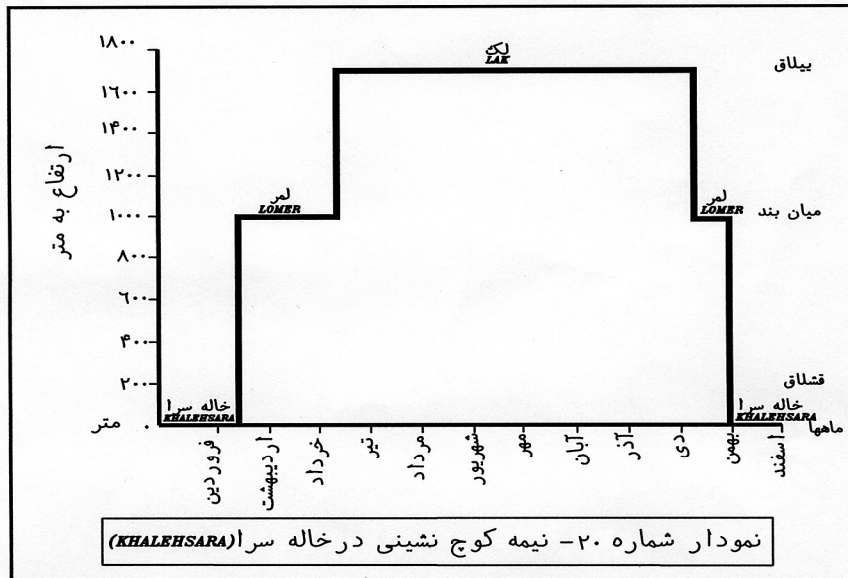
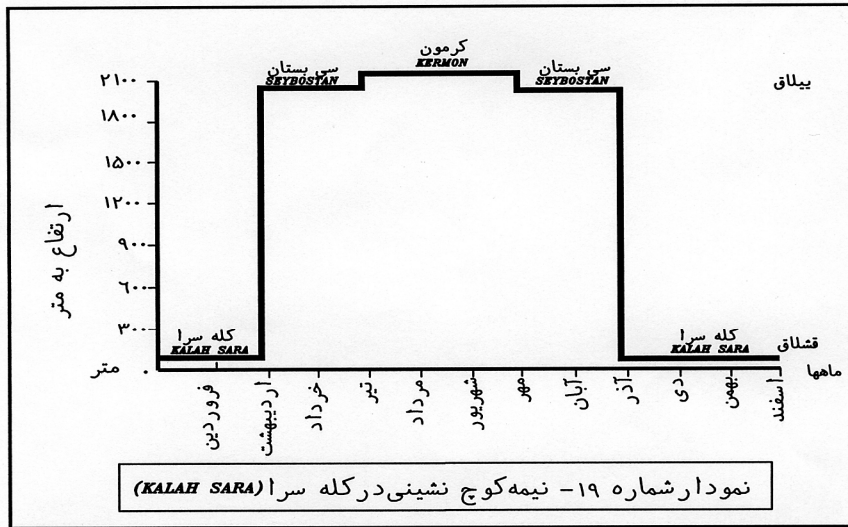












- نبود و کمبود خدمات زیربنایی نظیر؛ آب لوله کشی، برق، گاز، مسکن مناسب، مخابرات و...
- نبود امکانات و خدمات روبنایی مانند؛ خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی و...
- کمبود آب شرب بهداشتی و نبود وسیله نقلیه برای رفت و آمد نیمه کوچ‌نشینان به منظور رفع نیازهای مختلف خود.
- مشکل مسکن یا محل زندگی نیمه کوچ‌نشینان که عمدتاً به علت موقتی بودن، جمعیت اندک و پراکندگی آن از امکانات و خدمات بسیار محدود و اندکی برخوردار هستند.

پیشنهادات و راه حل ها:

- با توجه به مشکلات فوق که بیشترین آن‌ها در قلمرو ایلی به محدوده قشلاق مربوط است، نزدیک به ۹۴ درصد خانوارها برای رهایی و کاهش مشکلات نیمه کوچندگان با استقرار در یک مکان مناسب به ویژه اعضای خانوار موافق بوده و تنها ۲ درصد با آن مخالفند بر این اساس فرضیه امکان تحول شیوه موجود کوچ‌نشینی، دامداری، تثبیت جمعیت در صورت فراهم شدن شرایط لازم و نیز حذف قشلاق تایید می‌شود.
- کوچندگان بخش اسالم برای مکان یا مکان‌های مناسب استقرار جمعیت و تحول شیوه معیشت دامداری اغلب محدوده میان‌بند را به‌عنوان مکان‌های مناسب پیشنهاد کرده‌اند عواملی مانند؛ اقلیم مناسب، مراتع قابل استفاده و نسبتاً کافی، نزدیکی به جاده اصلی، آب کافی و فراهم بودن حداقل امکانات در انتخاب میان‌بند موثر بوده است.
- استقرارگاه‌های تکره خونی، خاربله، دریابن، کیاره، سوته ژیه در محدوده ناو و چهارسو، کرمودول، پنبه پشته، اسب ونی، لک، خطائیه، گیلانده و خرخونی در محدوده کرمون به‌عنوان مکان‌های مناسب استقرار دائمی مدنظر می‌باشد. (نقشه شماره ۲)
- اجرای طرح‌های حمایتی از طرف نهادها و سازمان‌های ذیربط نظیر: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، جهاد کشاورزی و مسکن و شهرسازی با هدف ایجاد و تقویت سکونتگاه‌های دائمی و تثبیت جمعیت کاهش و از میان بردن مشکلات نیمه کوچندگان و کمک به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قلمرو ایلی.
- در اختیار گذاشتن وام‌های پروار بندی از سوی جهاد کشاورزی، ساخت طویله و محل نگهداری دام‌ها، ایجاد انبار علوفه توسط دامداران و فراهم نمودن تسهیلات برای تهیه علوفه ودانه‌های علوفه‌ای برای دام‌ها در فصل سرد سال با هدف تحول شیوه معیشت دامداری که در آن قشلاق حذف می‌گردد.
- در صورت عملی شدن، طرح پیشنهادی در محدوده‌های مورد نظر نتایج زیر حاصل خواهد شد:
 - پایان دادن به رنج و زحمت خانوارهای دامدار نیمه کوچ‌نشین به‌ویژه زنان و فرزندان
 - امکان بهره‌مند شدن از امکانات زیستی و خدمات زیربنایی و روبنایی
 - بهره‌مند شدن از امکانات آموزشی و ارتقای فرهنگ و آگاهی‌های عمومی
 - جلوگیری از تلفات دام در مسیر حرکت جنگل و برعکس، به‌ویژه در فصل سرد سال
 - استفاده بهینه از مراتع میان‌بند و بیلاق

- توجه و تاکید بر اصلاح دامها اعم از کوچک و بزرگ و تلاش در راستای نگهداری و پرورش دامهایی که از لحاظ اقتصادی برای نیمه کوچ‌نشینان از نظر تولید گوشت، شیر و پشم مقرون به صرفه هستند.

منابع:

- ۱- بازن، مارسل، ۱۳۶۷، تالش منطقه قومی در شمال ایران، ترجمه دکتر مظفر امین فرشچیان، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، جلد اول.
- ۲- بازن، مارسل، ۱۳۶۷، تالش منطقه قومی در شمال ایران، ترجمه دکتر مظفر امین فرشچیان، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، جلد دوم.
- ۳- بازن، مارسل و دیگران، ۱۳۷۴، ترجمه سید علی پورفکوهی، فصل نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۳۸.
- ۴- بخشنده، نصرت عباس، ۱۳۷۸، راهبردهای بهینه در توسعه جامعه عشایری در برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، فصل نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۵۲ - ۵۳.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۸، مختصات جغرافیایی استان گیلان بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی ۱۳۷۷.
- ۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۷۹، آمارنامه استان گیلان ۱۳۷۸.
- ۷- عبدلی کلوری، علی، ۱۳۷۱، نظری به جامعه عشایری تالش، انتشارات اطلاعات.
- ۸- علیزاده شاد ابراهیم، ۱۳۷۴، بررسی جغرافیایی کوچ‌نشینان غرب گیلان (حویق)، پایان نامه کارشناسی جغرافیای انسانی - گرایش روستایی - استاد راهنما، نصرالله مولائی هاشجین، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- ۹- مشیری سید رحیم، ۱۳۶۹، مسایل نوین قبیله ای (قومی) نومادیزم، مجله دانشنامه دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات شماره ۲.
- ۱۰- مشیری سید رحیم، ۱۳۷۲، کوچ‌نشینی (مبانی و ایران)، انتشارات سمت.
- ۱۱- مشیری سید رحیم و مولائی هاشجین نصراله، ۱۳۷۹، درآمدی بر اقتصاد کوچ‌نشینان ایران، انتشارات قومس.
- ۱۲- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۷۶، تحلیلی پیرامون ضرورت تحول شیوه موجود کوچ‌نشینی به ترانس‌هومانس در ایران، مجله علمی فنی سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، شماره ۲۴.
- ۱۳- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۷۷، تحلیلی پیرامون پراکندگی جغرافیایی کوچ‌نشینان بختیاری در بیلاق و قشلاق، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، شماره ۳۵.
- ۱۴- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۷۸، بررسی نظام عملکردی دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ‌نشین غرب گیلان به منظور امکان‌سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوه معیشت دامداری سنتی (مطالعه موردی: بخش اسالم تالش)، طرح پژوهشی، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- ۱۵- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۷۹، بررسی جغرافیایی روند تحولات جمعیت در غرب گیلان، فصل نامه علمی پژوهشی جمعیت، سازمان ثبت و احوال کشور، شماره ۳۳ و ۳۴.
- ۱۶- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۸۰، نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ‌نشین غرب گیلان، فصل نامه فضای جغرافیایی، سال اول شماره ۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- ۱۷- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۸۱، مبانی کوچ‌چندگی، پراکندگی جغرافیایی و اشکال کوچ‌نشینی در گیلان (مطالعه موردی: بخش اسالم تالش)، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، شماره ۴۳.
- ۱۸- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۸۰، امکان‌سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوه معیشت دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ‌نشین غرب گیلان (مطالعه موردی: بخش اسالم تالش)، مجله دانشنامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، شماره ۴۰ و ۴۱.
- ۱۹- مولائی هاشجین، نصراله، ۱۳۸۲، تحلیلی پیرامون مدیریت چرای دامها و آبخیزداری در قلمرو نیمه کوچ‌نشینان اسالم تالش، فصل نامه تحقیقات تالش، شماره ۷ و ۸.